

انتخابات یا انتصابات؟

موارد نقض حقوق بشر در قوانین انتخابات ایران

- 1 خلاصه و توصیه نامه
- 5 توصیه نامه به حکومت ایران
- 5 مکانیسم های محروم کننده
- 5 شورای نگهبان
- 8 معیار های صلاحیت نامزدهای مجلس
- 10 نظارت استصوابی
- 12 معیار های صلاحیت نامزد های ریاست جمهوری
- 13 موارد نقض حقوق بشر
- 13 تبعیض جنسیتی
- 14 تبعیض مبتنی بر دیدگاه و عقاید سیاسی
- 17 تبعیض مبتنی بر دین و اعتقادات مذهبی

خلاصه و توصیه نامه

روز هفدهم ژوئن 2005، نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری و نیز انتخابات میان دوره ای هفتمین دوره مجلس در ایران برگزار می شود. نظیر سایر انتخابات دوره های گذشته، نامزدهایی که خواستار رقابت در این انتخابات هستند باید نخست به تایید شورای نگهبان برسند. این شورای مقتدر متشکل از دوازده تن می باشد که تنها به رهبر ایران آیت الله خامنه ای که یک مقام غیر منتخب میباشد پاسخگو هستند.

ایران بعنوان یکی از امضا کنندگان کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی و سیاسی ملزم است به شهروندان خود اجازه دهد بدون هیچ نوع "محدودیت غیر معقول" بتوانند بعنوان نامزد در رقابت های انتخاباتی شرکت کنند. قوانین انتخاباتی مجلس و ریاست جمهوری ایران با

استفاده از معیارهای تبعیض آمیز، مشارکت بسیاری از نامزدهای انتخابات را محدود می کنند.

علاوه بر این، قوانین انتخاباتی ایران اختیارات وسیع و خودسرانه ای تحت عنوان نظارت استصوابی به شورای نگهبان می دهد. نظارت استصوابی به شورای نگهبان اجازه می دهد حتی نامزد هایی که واجد شرایط تبعیض آمیز مندرج در قوانین انتخاباتی هستند را رد صلاحیت کند.

شورای نگهبان همواره تنها نامزدهایی را تایید نموده که به طبقه حاکم نزدیک بوده و یا به اصطلاح سیاسی ایرانیان "خودی" بوده اند. در کلیه دوره های پیشین انتخابات مجلس و ریاست جمهوری "غیرخودیها" که جزئی از طبقه حاکم نبودند از رقابت ها حذف شدند.

در 22 مه گذشته شورای نگهبان اعلام کرد که تنها 6 تن از 1014 نامزدی که برای انتخابات کنونی ریاست جمهوری ثبت کرده بودند، اجازه شرکت خواهند یافت. پنج تن از این نامزدها مشهورند که هماهنگی زیادی با نگرش سیاسی شورای نگهبان دارند. این افراد عبارتند از: محمد احمدی نژاد، شهردار تهران؛ علی لاریجانی، رئیس سابق رادیو و تلویزیون، محسن رضائی، فرمانده سابق سپاه پاسداران؛ محمد باقر قالیباف، رئیس سابق پلیس تهران؛ و اکبر هاشمی رفسنجانی، رئیس جمهور سابق. نامزد ششم مهدی کروی رئیس سابق مجلس می باشد. کروی در سالهای اخیر بر سر برخی موضوعات دارای اختلافاتی با شورای نگهبان بود اما او نیز طی بیست و شش سال گذشته یکی از "خودیها" بوده است.

این گزینش ها حاکی از آن است که تعریف شورای نگهبان از نامزد قابل قبول محدودتر از همیشه می باشد. این شورا برای نمونه دو تن از اصلاح طلبان معروف بنام های مصطفی معین، وزیر سابق علوم و نیز محسن مهرعلیزاده معاون رئیس جمهور را رد صلاحیت نمود. در 23 مه، آیت الله خامنه ای رهبر ایران به شورای نگهبان دستور داد معین و مهرعلیزاده را تایید صلاحیت نماید که شورا نیز مطابق این دستور عمل کرد. صلاحیت همه نامزدهایی که دیدگاه های سیاسی متفاوتی با دیدگاه طبقه حاکم دارند و نیز صلاحیت همه زنان رد شد.

روند بررسی صلاحیت ها توسط شورای نگهبان عملاً انتخابات در ایران را به دو مرحله تقسیم می کند. مرحله اول که در آن شورای نگهبان از قدرت نامحدود و بی حساب خود بهره می گیرد تا تعیین کند نام کدام نامزدها می تواند در برگه های انتخابات باشد. مرحله دوم همان رای دهی واقعی می باشد که در آن تعداد انتخاب های رای دهندگان محدود به این نامزدهای از پیش تعیین شده است. به این ترتیب نامزدهایی که مجاز به شرکت در رقابت های انتخاباتی می شوند عملاً توسط شورا منصوب می گردند و سایر نامزدها از صحنه حذف می شوند.

ایران یکی از امضا کنندگان کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی و سیاسی می باشد. اصل 25 این کنوانسیون چنین ملزم می کند که " هر شهروند باید بدور از انواع تبعیض که به آنها در ماده 2 اشاره شده و بدون محدودیتهای غیرمعقول، حق و امکان رای دادن و **انتخاب شدن** را در انتخابات راستین و منصفانه - که بطور دوره ای برگزار می شود - و مبتنی بر حق رأی همگانی، برابر، و مخفی است، داشته باشد تا به این ترتیب آزادی اظهار نظر رای دهندگان تضمین شود."¹

معیارهای درج شده در قوانین انتخاباتی ایران به وضوح بیانگر اعمال "محدودیت های غیر معقول" و تبعیض آمیز برای امکان انتخاب ایرانی ها به سمت های سیاسی می باشد. اصل 28 قانون انتخابات مجلس که در سال 1995 تصویب شد خاطر نشان می کند که نامزدها باید "اعتقاد و التزام عملی به اسلام و نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران" را داشته باشند.² این قانون همچنین نامزدها را ملزم می کند که وفاداری خود به "اصل مترقی ولایت فقیه مطلقه" را ابراز کنند.³ این نظریه فقط در فقه شیعه تعریف شده است و حتی در میان فقهای شیعه همگان به آن معتقد نیستند. این نظریه از حضور روحانیون مذهبی در بالاترین مراکز قدرت سیاسی حمایت کرده و مبنای منصب رهبری ایران محسوب می شود. نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری باید نشان دهند که اعتقاد "به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور" دارند.⁴ شورای نگهبان بطور

¹ کنوانسیون بین المللی حقوق سیاسی و مدنی. بر اساس اصل 2.1 این کنوانسیون: هر حکومت عضو این کنوانسیون می باید بدور از تبعیض بخاطر نژاد، تیره، جنسیت، زبان، مذهب، افکار سیاسی یا غیرسیاسی، مبدأ ملی یا اجتماعی، مالکیت، جایگاه فرد بهنگام تولد و غیره، حقوق انسانی تمامی افراد کشور خود که مسئولیتشان را به عهده گرفته اند احترام گذاشته و این حقوق را تأمین کند. ایران در 4 آوریل 1968 این کنوانسیون را امضا و در 24 ژوئن 1975 آنرا تصویب کرد.

² قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی - ماده 28، تبصره 1 - www.moi.gov.ir/ghavanin/rules.htm

³ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی - ماده 28، تبصره 3 - www.moi.gov.ir/ghavanin/rules.htm

⁴ ماده 115 قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. انتشارات آستان قدس رضوی، تهران، 1379

خودسرانه تعیین می کند که چه چیزی "اعتقاد و التزام عملی به اسلام" و چه چیزی اعتقاد "به مبانی جمهوری اسلامی" می باشد.

شورای نگهبان همچنین با تفسیر خود از قانون انتخابات ریاست جمهوری کلیه نامزدهای زن را که در دوره های انتخابات ریاست جمهوری گذشته ثبت نام کرده بودند رد صلاحیت نموده است.⁵ هیچ یک از 89 زنی که برای شرکت در انتخابات ریاست جمهوری کنونی ثبت نام کردند، تأیید صلاحیت نشدند.

و بالاخره آنکه شورای نگهبان از قدرتی بنام "نظارت استصوابی" برخوردار می باشد. نظارت استصوابی به اعضای شورای نگهبان اجازه می دهد حتی کسانی را که از شرایط درج شده در قانون برخوردار هستند، رد صلاحیت کند. نظارت استصوابی قدرتی است که بطور مبهم تعریف شده و به شورا این امکان را می دهد که نامزدهایی را که دارای موضع گیری های سیاسی که از نظر شورا غیر قابل قبول هستند را از صحنه خارج کند.

قوانین انتخاباتی در ایران همچنین نامزدها را بر اساس دین و اعتقادات مذهبی مورد تبعیض قرار می دهند. از نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری و مجلس انتظار می رود که وفاداری خود را به نظریه ولایت مطلقه فقیه اعلام کنند است. محسن کدیور، روحانی و پژوهشگر شیعه، 9 مورد از نظریه های دولت در بین علمای شیعه را شناسایی کرده است.⁶ ولایت مطلقه فقیه تنها یکی از این موارد است. روحانیون برجسته شیعه نظیر آیت الله سیستانی با هیچ یک از انواع نظریه ولایت فقیه، حتی کلی ترین شکل آن موافق نیستند.

ماهیت تبعیض آمیز و محروم کننده انتخابات ایران در جریان انتخابات مجلس در فوریه 2004 کاملاً نمایان بود. شورای نگهبان در آن زمان 3605 نامزد که چهل و چهار درصد از کل نامزدهای ثبت نام کرده در سراسر کشور بودند را رد صلاحیت کرد.⁷ این شورا در تهران پنجاه و دو درصد از نامزدها را رد صلاحیت کرد. در یک اقدام بیسابقه صلاحیت هشتاد و هفت درصد از نمایندگان وقت مجلس نیز رد شد.⁸

⁵ بی بی سی فارسی، "نیاز به قرائت تازه ای از رجال سیاسی"، 24 اکتبر 2004

⁶ محسن کدیور، نظریه های دولت در فقه شیعه، نشر نی، تهران، 1380.

⁷ ایسنا، "44 درصد از داوطلبان از سوی هیات نظارت رد صلاحیت شده اند"، 22 دی 1382.

⁸ ایسنا، "وزیر کشور: این انتخابات از نظر ما مشروع نیست"، 11 بهمن 1382.

بطور خلاصه می توان گفت قوانین انتخاباتی ایران شرکت معنی دار همه ایرانیان در روند سیاسی کشور را غیرممکن می کند. انتخابات ایران تنها هنگامی معنی دار و مطابق معیارهای بین المللی حقوق بشر هستند که این موضوعات ساختاری و بنیادین – قوانین تبعیض آمیز انتخابات و اختیارات نامحدود شورای نگهبان در رد صلاحیتها- حل شوند.

توصیه نامه به حکومت ایران

- اجازه دهید نامزدها بدون تبعیض های مبتنی بر جنسیت، اعتقادات مذهبی، دیدگاه و یا عقاید سیاسی در انتخابات شرکت کنند.
- اختیارات شورای نگهبان در دست چین کردن نامزدهای انتخابات را لغو کرده و به دخالت های این شورا در روند انتخابات پایان دهید.
- رد صلاحیت نامزدهایی که از شرکت در انتخابات ممنوع می شوند را بطور کتبی و بر اساس معیارهای قانونی و شفاف به آنها اعلام کنید.
- امکانات قانونی به موقع و کافی در اختیار نامزدهایی که رد صلاحیت خود را به چالش می طلبند قرار دهید.

مکانیسم های محروم کننده

انتخابات مجلس و ریاست جمهوری در ایران در دو مرحله انجام می شوند. مرحله نخست بررسی سوابق و صلاحیت نامزدها می باشد که توسط شورای نگهبان انجام می شود. تنها نامزدهایی که صلاحیت آنان توسط این شورا تایید شود می توانند به مبارزات و رقابت های انتخاباتی بپردازند. بررسی صلاحیت ها عملاً به شورای نگهبان اجازه می دهد نامزدها را برای مبارزات انتخاباتی انتصاب نماید. مرحله دوم شامل رای مستقیم رای دهندگان برای انتخاب از بین نامزدهای منصوب شده می باشد.

شورای نگهبان

شورای نگهبان ایران متشکل از دوازده حقوقدان مذهبی است: رهبر شش تن از آنان را منصوب می کند؛ شش تن دیگر نیز توسط قوه قضائیه پیشنهاد شده و مجلس باید انتصاب آنها را تایید کند. شورای نگهبان قدرتمندترین بخش غیرانتخابی نظام حکومتی ایران است که عملاً جزئی از حکومت غیر پاسخگوی رهبری می باشد. قدرت شورا شامل تفسیر

قانون اساسی، نظارت بر اجرای انتخابات و بررسی قوانین تصویب شده توسط مجلس می باشد.

قانون اساسی وظایف شورای نگهبان را تعریف کرده است. بر اساس اصل 94 قانون اساسی، شورا ملزم به بررسی قوانینی است که به تصویب مجلس رسیده اند:

کلیه مصوبات مجلس شورای اسلامی باید به شورای نگهبان فرستاده شود. شورای نگهبان موظف است آن را حداکثر ظرف ده روز از تاریخ وصول از نظر انطباق بر موازین اسلام و قانون اساسی مورد بررسی قرار دهد و چنانچه آن را مغایر ببیند برای تجدیدنظر به مجلس باز گرداند. در غیر این صورت مصوبه قابل اجرا است.

شورای نگهبان به کرات از قدرت وتوی خود برای کنترل جهت سیاسی کشور و نیز اطمینان از انطباق قوانین با دستور کار سیاسی شورا استفاده می کند. تنها بین سالهای 2000 تا 2002 شورای نگهبان بیش از پنجاه مرتبه از قدرت وتوی خود برای رد لوایح تصویبی مجلس استفاده کرد.⁹ برای نمونه در سال 2002 شورای نگهبان لایحه ای که در مجلس تصویب شده بود و معطوف به محدود کردن اعمال شکنجه و استفاده از اعترافات اجباری در دادگاه های کیفری بود را وتو کرد. شورا اعلام کرد این لایحه بر خلاف اصول اسلام بوده زیرا اختیارات قضات در تعیین قابل پذیرش بودن اعترافات را محدود می کند.¹⁰

پیش از انتخابات سال 2004 مجلس، شورای نگهبان لایحه ای را وتو کرد که قدرت شورا برای رد صلاحیت نامزدها را محدود می کرد. این لایحه به منظور اصلاح قانون انتخابات تنظیم شده بود و شورای نگهبان را ملزم می کرد همه نامزدهای رد صلاحیت شده را تایید نماید مگر آنکه رد صلاحیت آنها بر اساس استنادات و مدارک قانونی باشد. رجبعلی مزروعی نماینده وقت مجلس در واکنش به وتوی شورای نگهبان اعلام کرد شورا خود را وقف "تحمیل دیکتاتوری" کرده است.¹¹

⁹ بی بی سی نیوز، "Iran Parliament Backs Reformist Bill" یکشنبه 10 نوامبر 2002.

¹⁰ "Iran: Veto on Torture Bill Condemned" دیده بان حقوق بشر، 12 ژوئن 2002.

¹¹ آسوشیت پرسی، "Rebuff by hard-liners casts doubt on Iranian Election" 26 ژانویه 2004.

اصل 98 قانون اساسی به شورا "حق تفسیر قانون اساسی" را می دهد.¹² شورای نگهبان همچنین مسئول "نظارت" بر انتخابات ریاست جمهوری و مجلس می باشد. اصل 99 قانون اساسی خاطر نشان می کند:

شورای نگهبان نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و مراجعه به آرا عمومی و همه پرسی را بر عهده دارد.¹³

به بیان دیگر، شورای نگهبان کنترل کننده اصلی روند انتخابات است: تصمیم گیری نهایی درباره صلاحیت نامزدها بر عهده شورا می باشد.

ماهیت تبعیض آمیز و خودسرانه رد صلاحیت های انتخابات مجلس هفتم در سال 2004 حتی مسئولین انتخابات و نیز مقام های وزارت کشور را به اعتراض واداشت. سید محمود میرلوحی معاون امور پارلمانی وزارت کشور گفت "دغدغه و نگرانی وزارت کشور این است که چرا کسانی که در روند انقلاب بوده، و چندین دوره نماینده مجلس و یا وزیر بوده اند پرونده های سنگینی برایشان وجود دارد." وی افزود: "جمع آوری، بررسی، پالایش و پردازش اطلاعات در مورد افراد باید از ده ها مراحل کارشناسی عبور کند و نمی شود با استناد به یک شایعه، تند و تند پرونده بر روی پرونده برای برخی از کاندیداهای شناخته شده درست کرد."¹⁴

تقوی مدیر اداره انتخابات مرنند در استان آذربایجان شرقی نیز به رد صلاحیت نامزدها توسط شورای نگهبان اعتراض کرد و گفت: "شورای نگهبان برای این تاسیس نشده است که اعضای آن بخواهند مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان مورد صلاحدید خود را تشکیل دهند و بجای مردم تصمیم بگیرند."¹⁵

¹² قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. انتشارات آستان قدس رضوی، تهران، 1379.

¹³ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. انتشارات آستان قدس رضوی، تهران، 1379.

¹⁴ ایلنا، "وزارت کشور از پرونده های سنگین برخی افراد شناخته نگران است"، 7 دی 1382.

¹⁵ ایلنا، "وزارت کشور از پرونده های سنگین برخی افراد شناخته نگران است"، 7 دی 1382.

محمد جهرمی سخنگوی کمیته نظارت مرکزی دلایل رد صلاحیت های افراد در جریان انتخابات مجلس در سال 2004 را چنین اعلام کرد:

12/5 درصد فساد مالی، 13/5 درصد فساد اخلاقی، 14/5 درصد هواداری و عضویت در گروه های ضد انقلاب، 13/5 درصد عدم اعتقاد به مبانی اسلام، 6/8 درصد سابقه نشر اکاذیب و تشویش اذهان عمومی، 15/7 درصد سابقه سوء شهرت، 6/5 درصد اقدام علیه امنیت ملی، 16/5 درصد اعتقاد نداشتن به قانون اساسی.¹⁶

مدیر کل وزارت کشور طی نامه ای به دلایل اعلام شده برای رد صلاحیت های نامزدها توسط شورای نگهبان پاسخ داد:

تهمت، افتراء، نشر اکاذیب و تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی ایران جزو محرومیت هایی نیست که در ماده 30 قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی بدان تصریح شده است... از جمله ادله ای که برای رد صلاحیت افراد اشاره شده: " اقدام علیه جمهوری اسلامی ایران و امنیت کشور " است که در این خصوص باید حکم محکومیت قطعی وجود داشته باشد و صرف ادعا یا اتهام محلی برای رد صلاحیت داوطلبان نیست. در حال حاضر بر اساس قوانین و احکام مراجع صالح قضایی جز حزب کومله و دمکرات کردستان، حزب و گروه غیرقانونی نداریم و صرف عدم اخذ مجوز از کمیسیون ماده 10 قانون احزاب به منزله غیرقانونی بودن گروه های سیاسی نیست، لذا رد صلاحیت افراد به دلیل هواداری و وابستگی به سایر گروه ها به جز گروه های مذکور به دلیل فقدان قانون یا حکم قضائی مبنی بر غیرقانونی بودن آنها، فاقد وجاهت قانونی است.¹⁷

معیارهای صلاحیت نامزدهای مجلس

افرادی که خواستار نامزدی برای انتخابات مجلس هستند در مرحله اول باید در وزارت کشور ثبت نام کنند. پس از آن شورای نگهبان همراه با وزارت کشور بررسی صلاحیت هر یک نامزدهای ثبت نام کرده را آغاز می کند. مطابق اصل 28 قانون انتخابات مجلس:¹⁸

¹⁶ خبرگزاری فارس، "سخنگوی هیات مرکزی نظارت بر انتخابات دلایل رد صلاحیت برخی از داوطلبان نمایندگی مجلس را اعلام کرد"، جمعه 19 دی 1382.

¹⁷ ایسنا، "پاسخ مدیر کل حقوقی وزارت کشور به برخی از دلایل رد صلاحیت ها"، 13 بهمن 1382.

¹⁸ متن این قانون در سایت وزارت کشور قابل دسترسی میباشد، www.moi.gov.ir/ghavanin/rules.htm

انتخاب شوندگان هنگام ثبت نام باید دارای شرایط زیر باشند:

1. اعتقاد و التزام عملی به اسلام و نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران.
2. تابعیت کشور جمهوری اسلامی ایران.
3. ابراز وفاداری به قانون اساسی و اصل مترقی ولایت مطلقه فقیه.
4. حداقل مدرک فوق دیپلم و یا معادل آن.
5. نداشتن سوء شهرت در حوزه انتخابیه.
6. سلامت جسمی در حد برخورداري از نعمت بینائی ، شنوایی و گویائی.
7. حداقل سن سی سال تمام و حداکثر هفتاد و پنج سال تمام.

بررسی سوابق نامزدها با درخواست وزارت کشور و شورای نگهبان از سازمان های مختلف دولتی برای دریافت اطلاعات موجود درباره آنها آغاز می شود:

وزارت کشور و شورای نگهبان پس از وصول مشخصات داوطلبان روزانه لیست کامل آنها را تهیه و به منظور بررسی سوابق آنان در رابطه با صلاحیتهای مذکور در این قانون به وزارت اطلاعات ، دادستانی کل ، سازمان ثبت احوال کشور و اداره تشخیص هویت و پلیس بین الملل در مرکز ارسال می دارد . مراکز مزبور موظفند ظرف پنج روز نتیجه بررسی را با دلیل و سند به وزارت کشور و شورای نگهبان اعلام نمایند.¹⁹

وزارت کشور در طی شش روز پس از آغاز دوره ثبت نام یک کمیته اجرایی در هر یک از حوزه های انتخاباتی ایجاد می کند. این کمیته های اجرایی محلی گزارش های خود را به کمیته اجرایی استان ارسال می کنند. کمیته اجرایی استان نیز گزارش خود را به "کمیته اجرایی" مرکزی در تهران تسلیم می کند. از سوی دیگر شورای نگهبان پیش از شروع انتخابات دست به انتصاب یک سری "کمیته های نظارتی" موازی می زند. این کمیته ها با ساختار عمودی خود به یک "کمیته نظارت" مرکزی در تهران متصل هستند که کمیته های نظارتی استانی را که به نوبه خود ناظر کمیته های نظارتی محلی در هر حوزه انتخاباتی هستند، را کنترل می کند.

¹⁹ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی - ماده 48 - www.moi.gov.ir/ghavanin/rules.htm

وزارت کشور اطلاعاتی را که درباره هر یک از نامزدها از سازمان های دولتی فوق الذکر بدست آورده به کمیته های اجرایی محلی ارسال می کند. کمیته های اجرایی محلی نیز با انجام تحقیقات محلی درباره سوابق هر یک نامزدها، درباره صلاحیت آنها نظر می دهند. کمیته های نظارتی محلی نیز ضمن بررسی این نظرات و پیشنهادات، خود بطور موازی دست به انجام تحقیقات می زنند. کمیته های نظارتی محلی یافته ها و تصمیم های خود را به کمیته های نظارتی استانی و مرکزی ارسال می کنند. شورای نگهبان تصمیم نهایی درباره صلاحیت هر یک از نامزدها را اتخاذ می کند. در صورتیکه اختلافی بین پیشنهادات کمیته اجرایی مرکزی و کمیته نظارت مرکزی باشد، شورای نگهبان تصمیم گیرنده نهایی خواهد بود:

شورای نگهبان بیست روز پس از اظهار نظر هیأت مرکزی نظارت نظر قطعی و نهایی خود را در خصوص تأیید یا رد صلاحیت داوطلبان به وزارت کشور اعلام خواهد نمود.²⁰

نظارت استصوابی

نظارت استصوابی شورای نگهبان که در انتخابات مجلس اعمال میشود خودسرانه ترین و مستبدانه ترین مکانیسم در روند انتخابات می باشد. قانون انتخابات مجلس ایران به شورای نگهبان قدرت مطلق نظارت بر کلیه ابعاد روند انتخابات را می دهد. مطابق اصل 3 قانون:

نظارت بر انتخابات مجلس شورای اسلامی به عهده شورای نگهبان می باشد. این نظارت استصوابی و عام و در تمام مراحل در کلیه امور مربوط به انتخابات جاری است.²¹

نظارت استصوابی قدرت خودسرانه و مبهمی است. شورای نگهبان می تواند نامزدها را حتی اگر واجد کلیه شرایط مندرج در قانون انتخابات مجلس باشند رد صلاحیت کند. در

²⁰ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی - ماده 52، تبصره 3 - www.moi.gov.ir/ghavanin/rules.htm

²¹ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی - ماده 3 - www.moi.gov.ir/ghavanin/rules.htm

واقع، نظارت استصوابی به شورای نگهبان اجازه می دهد کلیه روند تایید صلاحیت که در قانون انتخابات آمده است را به کنار نهاده و یا رد کند.

محسن سازگارا یکی از دگراندیشان ایرانی که صلاحیت او در انتخابات ریاست جمهوری سال 2001 رد شد، نظارت استصوابی را ابزار نهایی شورای نگهبان برای کنترل روند انتخابات می داند که در عمل تعیین می کند چه کسی نامزد باشد. وی به دیده بان حقوق بشر گفت:

نظارت استصوابی به این معنی است که شورای نگهبان باید استصواباً برای خیر و مصلحت صلاحیت همه کاندیداها را تایید نکند. فقط بنابراین نظارت بر این شکل نیست که ببیند آیا شرایط کاندیداها با قانون وفق دارد یا نه بلکه اساساً آنها باید بگویند که کدام کاندیدا شرایط دارد ولو بر اینکه شرایط مندرج در قانون را داشته باشد. یعنی آنچه در قانون آمده و ذکر شده کافی نیست. کما اینکه بسیاری از کسانی که رد صلاحیت میشوند این شرایطی که در قانون انتخابات آمده را دارا هستند ولی هنوز هم رد میشوند.²²

سازگارا همچنین تصمیمات شورای نگهبان را انعکاس و ادامه قدرت آیت الله خامنه ای رهبر معنوی می داند.

شورای نگهبان تابع رهبری نظام هست. اتفاقی هم که در عمل می افتد این است که انتخابات در واقع قبل از اینکه کاندیداها به مردم معرفی بشوند توسط مقام رهبری نظارت میشود. کما اینکه در انتخابات مجلس شورا در زمستان گذشته پیش از 3000 کاندید رد صلاحیت شدند و شورای نگهبان به دستور رهبری و با توافق ایشان گفت که اینها صلاحیت ندارند.²³

مهرانگیز کار، حقوقدان برجسته ایرانی و مدافع حقوق بشر نیز نظارت استصوابی را مانع اصلی مشارکت آزاد و عادلانه همه مردم برای نامزدی در انتخابات می داند. وی به دیده بان حقوق بشر گفت:

²² مصاحبه دیده بان حقوق بشر با محسن سازگارا، 22 فروردین 1384.

²³ همان.

تصمیمات شورای نگهبان بر اساس سلیقه های جناحی و سیاسی است. با وجود نظارت استصوابی دخالت همه آحاد مردم در صحنه مبارزات انتخاباتی ممکن نیست.²⁴

معیارهای صلاحیت نامزد های ریاست جمهوری

افرادی که خواهان نامزدی برای انتخابات ریاست جمهوری هستند نیز نظیر انتخابات مجلس مشمول معیارهای سختگیرانه ای می شوند که تحت کنترل شورای نگهبان هستند.

اصل 115 قانون اساسی شرایط نامزدهای ریاست جمهوری را چنین اعلام می کند:

رئیس جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی که واجد شرایط زیر باشند انتخاب گردد:

ایرانی الاصل، تابع ایران، مدیر و مدبر، دارای حسن سابقه و امانت و تقوی، مومن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور.²⁵

مطابق اصل 118 تایید صلاحیت نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری بر عهده شورای نگهبان است:

مسئولیت نظارت بر انتخاب ریاست جمهوری طبق اصل نود و نهم بر عهده شورای نگهبان است.²⁶

صلاحیت داوطلبان ریاست جمهوری به اضافه تایید شورای نگهبان، باید قبل از انتخاب در دوره اول به تایید رهبری برسد.

²⁴ مصاحبه دیده بان حقوق بشر با مهرانگیز کار، 22 فروردین 1384.

²⁵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. انتشارات آستان قدس رضوی، تهران، 1379. ماده 12: " دین رسمی ایران، اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری است و این اصل الی الابد غیر قابل تغییر است."

²⁶ همان. ماده 110: صلاحیت داوطلبان ریاست جمهوری از جهت دارا بودن شرایطی که در این قانون می آید باید قبل از انتخاب به تایید شورای نگهبان و در دوره اول به تایید رهبری برسد.

موارد نقض حقوق بشر

ایران یکی از امضاءکنندگان کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی و سیاسی می باشد. اصل 25 این کنوانسیون ملزم کننده این است که " هر شهروند باید بدور از انواع تبعیض که به آنها در ماده 2 اشاره شده و بدون محدودیتهای غیرمعقول، حق و امکان رای دادن و **انتخاب شدن** را در انتخابات راستین و منصفانه - که بطور دوره‌ای برگزار می‌شود - و مبتنی بر حق رأی همگانی، برابر، و مخفی است، داشته باشد تا به این ترتیب آزادی اظهار نظر رای دهندگان تضمین شود." قوانین انتخاباتی ایران و نیز نقش شورای نگهبان در رد صلاحیت نامزدها حق اکثریت شهروندان برای انتخاب شدن را محدود نموده و به این ترتیب ناقض کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی و سیاسی می باشد. ابعاد مختلف این نقض در ادامه این گزارش مورد بررسی قرار گرفته اند.

تبعیض جنسیتی

مطابق اصل 115 قانون اساسی ایران، نامزد ریاست جمهوری باید از بین "رجال مذهبی و سیاسی" باشد. رجال یک لغت عربی است که به معنای مردان می باشد. از آنجا که فارسی زبانی است که از نظر جنسیتی خنثی می باشد، روشن نیست آیا این واژه نامزدهای ریاست جمهوری را به مردان محدود می کند و یا آنکه شامل نامزدهای زن نیز می شود.

شورای نگهبان در عمل واژه رجال را چنین تفسیر کرده است که تنها شامل نامزدهای مذکر می شود. غلامحسین الهام، سخنگوی شورا در 23 اکتبر این تفسیر را رسماً اعلام کرد.²⁷ شورای نگهبان همواره نامزدهای زن را در کلیه رقابت های ریاست جمهوری گذشته رد کرده است. در طی انتخابات سال 1997، اعظم طالقانی که یکی از فعالان سیاسی اجتماعی مشهور می باشد، برای نامزد شدن رد صلاحیت شد. در انتخابات ریاست جمهوری سال 2001، چهل و هفت زن ثبت نام کردند اما همگی توسط شورای نگهبان رد صلاحیت شدند.

برای نامزدی انتخابات ریاست جمهوری کنونی در ژوئن 2005 نیز هشتاد و نه زن از جمله طالقانی ثبت نام کردند. شورای نگهبان صلاحیت هیچیک را تایید نکرد.

²⁷ بی بی سی فارسی، "نیاز به قرائت تازه ای از رجال سیاسی"، 24 اکتبر 2004.

شیرین عبادی برنده جایزه صلح نوبل در سال 2003 این تفسیر را کاملاً غلط می‌داند. وی گفت: "محرور نمودن نیمی از افراد کشور از دستیابی به پست مهم ریاست جمهوری نشانه تبعیضی ناروا در کشور است."²⁸

حمیده عدالت رهبر فراکسیون زنان در مجلس ششم از سال 2001 تا سال 2004 بود. وی نیز معتقد است که جلوگیری از حضور زنان برای احراز پست ریاست جمهوری غیرقابل قبول است:

چنین تفسیری خیلی از ارزش‌ها و معانی را در جامعه زیر سوال می‌برد و به صورت اتوماتیک باعث حذف شدن نیمی از جامعه از عرصه‌ی سیاست می‌شود. همچنین در زنان این شبهه به وجود می‌آید که بخشی از حاکمیت فقط قصد استفاده‌ی ابزاری از رای آن‌ها را دارد و به راحتی حقوق آن‌ها برای در اختیار گرفتن مناصب زیر پا می‌گذارد. در جامعه‌ی کنونی ما زنانی وجود دارند که می‌توانند برای انتخابات ریاست جمهوری کاندیدا شوند و حاکمیت باید اجازه دهد که خود مردم در مورد زن و یا مرد بودن رئیس‌جمهورشان تصمیم بگیرند، با تفسیر اخیر از رجل سیاسی زنان از حق مسلم خود محروم می‌شوند.²⁹

تبعیض مبتنی بر دیدگاه و عقاید سیاسی

قوانین انتخاباتی ایران صریحاً علیه نامزدهایی که اعتقادات و دیدگاه‌های متفاوتی با دولتمردان کنونی دارند، تبعیض اعمال می‌کند. اصل 28 قانون انتخابات مجلس نامزدها را ملزم به داشتن "اعتقاد و التزام عملی به دین اسلام و نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران" می‌کند.³⁰ بر اساس همین اصل نامزدها باید "وفاداری به قانون اساسی و اصل متری ولایت مطلقه فقیه" را اعلام کنند. شورای نگهبان از این دو شرط برای رد صلاحیت نامزدها استفاده کرده است.

مهر انگیز کار به دیده بان حقوق بشر گفت:

²⁸ ایلنا، "شیرین عبادی: محروم نمودن نیمی از افراد کشور از دستیابی به پست مهم ریاست جمهوری، نشانه تبعیضی ناروا در کشور است"، 14 دی 1383.

²⁹ ایسنا، "حمیده عدالت: تفسیر شورای نگهبان از "رجل سیاسی" زنان از حق مسلم خود محروم میکند"، 4 آبان 1383.

³⁰ www.moi.gov.ir/ghavanin/rules.htm

شرایط خاص انتخاب شوندهگان به شرح ماده 28 راه ورود به عرصه رقابت انتخاباتی را در برابر بخشی از جمعیت مسدود کرده است. حق کاندیدا شدن فقط برای کسانی که عقاید سیاسی شورای نگهبان را قبول دارند میسر است. چگونه میتوان از حاکمیت ملی سخن گفت وقتی که دگراندیشان و منتقدین از حضور در عرصه رقابتهای انتخاباتی محروم هستند.³¹

سعید رضوی فقیه یکی از فعالان اصلاح طلب این نوع تبعیض را در چهارمرتبیه تلاش خود برای رقابت در انتخابات مجلس تجربه کرده است. وی به دیده بان حقوق بشر گفت:

من در آن انتخابات مجلس پنجم از حوزه انتخابیه درود در لرستان کاندیدا شدم ولی هیئت اجرائی بنده را رد صلاحیت کرد. اعلام کردند که من صلاحیت حضور در رقابت انتخاباتی را ندارم و من وقتی اعتراض کردم به این رای هیئت اجرائی، احاله شد به هیئت اجرائی استان و آنجا هم بعد از مدتی عدم صلاحیت مورد تاکید گرفت. در انتخابات مجلس ششم در همان حوزه انتخابی ثبت نام کردم. هیئت اجرائی شهرستان و استان لرستان من را تأیید کردند که البته آنجا هم مشکلاتی بود. فرماندار به من گفت که به سختی توانستیم صلاحیت شما را تأیید کنیم ولی چون هیچ مدرک و دلیلی نبوده و فقط ادعاهای بوده بی سند ما فشار آوردیم تأیید کردیم. اما شورای نگهبان خودش رد صلاحیت کرد. شورای نگهبان نامه ای فرستاد که من صلاحیت حضور در انتخابات را ندارم. به جرم وابستگی به گروه های محارب یا غیر قانونی و همچنین به جرم عدم التزام به ولایت فقیه و قانون اساسی رد صلاحیت شدم. در انتخابات میان دوره ای مجلس ششم در بهار 1380 از حوزه تهران کاندیدا شدم که باز هم از طرف خود شورای نگهبان رد صلاحیت شدم. در انتخابات مجلس هفتم هم باز من ثبت نام کردم از حوزه تهران که این بار هیئت نظارت بر انتخابات استان تهران من را رد صلاحیت کرد و به علاوه بر موارد قبلی عدم اعتقاد به اسلام و نداشتن حسن شهرت در حوزه انتخابیه هم به آن اضافه شده بود.³²

به گفته رضوی فقیه دلایل اصلی شورای نگهبان دیدگاه ها و اعتقادات سیاسی او بوده اند:

هیچوقت شورای نگهبان از خط کش قانون برای تأیید یا رد صلاحیت ها استفاده نکرد بلکه بر اساس گزارشهای سیاسی و پرونده های سیاسی افراد یک تصمیم گیری

³¹ مصاحبه دیده بان حقوق بشر با مهرانگیز کار، 22 فروردین 1384.

³² مصاحبه دیده بان حقوق بشر با سعید رضوی فقیه، 24 فروردین 1384.

سیاسی شده. این را میتوانم با اطمینان بگویم که به جز موارد خواصی شورای نگهبان کاملاً سیاسی عمل کرده.³³

محسن سازگارا برای نامزدی در انتخابات ریاست جمهوری سال 2001 ثبت نام کرد، اما توسط شورای نگهبان رد صلاحیت شد. او نیز معتقد است تنها علت رد صلاحیت او اعتقادات و دیدگاه های سیاسی او بوده است. سازگارا به دیده بان حقوق بشر گفت:

من خودم تمامی شرایط مندرج در قانون را داشتم ولیکن شورای نگهبان تصمیم گرفت که بنده را رد صلاحیت کند. کسانی که مواضع سیاسی شان و گفته ها و نوشته هاشان در مسیری که شورای نگهبان و رهبری میخواهند نیست رد صلاحیت میشوند. من خودم به همین دلیل رد صلاحیت شدم.³⁴

رد صلاحیت های تبعیض آمیز و دلخواهانه شورای نگهبان در جریان انتخابات مجلس در سال 2004 بطور کامل به نمایش درآمد. در طی این انتخابات، کریم عابدی مدیر کل انتخابات استان آذربایجان شرقی گفت:

هیات های نظارت شورای نگهبان با حرکتی حساب شده، کاملاً سیاسی و جناحی به رد صلاحیت گسترده داوطلبان پرداختند. رد صلاحیت گسترده نشان داد هیات های نظارت شورای نگهبان هیچ اعتقادی به رای مردم ندارند و با شیوه های شبه قانونی در مقابل آنان می ایستند. عملکرد هیات نظارت شورای نگهبان کاملاً سیاسی بود و رد صلاحیت کاندیدا ها در آذربایجان شرقی طوری طراحی و انجام شده که اکثر نامزدهای جناح منتقد دولت به صورت یک طرفه وارد انتخابات شوند.³⁵

عابدی گفت 176 نفر که 45 درصد از کل نامزدهای ثبت نام کرده در این استان می باشند به علت "عدم اعتقاد و التزام عملی به اسلام و نظام" و نیز وابستگی به سازمان ها و گروه های مختلف رد صلاحیت شدند.

³³ همان.

³⁴ مصاحبه دیده بان حقوق بشر با محسن سازگارا، 22 فروردین 1384.

³⁵ تبریز نیوز، "معاون سیاسی استانداری آذربایجان شرقی: 176 نفر از کاندیداهای آذربایجان شرقی رد صلاحیت شدند"، جمعه 26 دی 1382.

مهر انگیز کار رد صلاحیت نامزدها توسط شورای نگهبان را یک نوع تفتیش عقاید مدرن می‌داند.³⁶ این دیدگاه بسیاری در جریان انتخابات مجلس هفتم بود. محمد جهرمی سخنگوی کمیته نظارت مرکزی در دفاع از سیاست های این کمیته گفت: "این کار تفتیش عقاید نیست بلکه روش عقلا در سپردن کارهای مهم به افراد هست."³⁷

احمد ناطق نوری نایب رئیس فراکسیون اقلیت در مجلس ششم رد صلاحیت های گسترده در جریان انتخابات مجلس هفتم در سال 2004 را تحت عنوان پیشگیری از ایجاد یک حکومت سکولار توجیه کرد.³⁸

تبعیض مبتنی بر دین و اعتقادات مذهبی

قوانین انتخاباتی ایران نامزدهای مجلس را ملزم به اعلام وفاداری به نظریه ولایت مطلقه فقیه می‌کنند که یک نظریه شیعی و مبنای نظام حکومتی ایران می‌باشد. ولایت مطلقه فقیه یک نظام حکومتی است که در آن فقیه بالاترین مرجع قدرت یعنی رهبر می‌باشد و اختیارات مطلق دارد.

نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری باید نشان دهند که اعتقاد " به مبانی جمهوری اسلامی ایران و دین رسمی کشور " دارند.

این قوانین افراد را بر اساس اعتقادات مذهبی مورد تبعیض قرار می‌دهند. این تبعیض علاوه بر اینکه شامل غیر مسلمانان و مسلمانان سنی میشود، همچنین شامل شیعیانی که نظریه ولایت فقیه را نمی‌پذیرند هم میشود.

محسن سازگارا به دیده بان حقوق بشر گفت:

اگر مقلد آیت الله سیستانی باشید یا مقلد مرحوم آیت الله خویی باشید یا مقلد اکثریت مراجع تقلید باشید، چون کسانی در میان مراجع تقلید که به فتوای ولایت مطلقه فقیه

³⁶ مصاحبه دیده بان حقوق بشر با مهر انگیز کار، 22 فروردین 1384.

³⁷ ایسنا، "بالغ بر 2033 نفر رد صلاحیت شدند"، 21 دی 1382.

³⁸ ایلنا، "احمد ناطق نوری: رد صلاحیت‌ها برای جلوگیری از تشکیل يك حکومت سکولار است"، 28 دی 1382.

قایلند خیلی نادرند، بنابراین شما اگر مقلد چنین فقها و مراجع تقلیدی باشید این تبعیض در مورد شما هم جاری میشود.³⁹

محسن کدیور یک محقق و روحانی شیعه مطالعه جامعی درباره تاریخچه نظریه ولایت فقیه انجام داده است. او 9 مورد از نظریه های دولت در فقه شیعه را بررسی و دسته بندی نموده که نوع ولایت مطلقه فقیه که مورد نظر حاکمان ایران است تنها یکی از این موارد می باشد.⁴⁰

³⁹ مصاحبه دیده بان حقوق بشر با محسن سازگارا، 22 فروردین 1384.

⁴⁰ محسن کدیور، نظریه های دولت در فقه شیعه، نشر نی، تهران، 1380.